



سخنگوی جامعه روحانیت مبارز :

پایداری ها هم احمدی نژاد را دیگر اصولگرا نمی دانند/ فضا برای ورود بیشتر اصلاح طلبان به مجلس فراهم است.
مصباحی مقدم: هاشمی و ناطق به اعتبار این که از بنیان گذاران جامعه روحانیت مبارزند عضو هستند ولو در جلسات شورای مرکزی شرکت نکنند.
- کم تر از یک سال تا انتخابات مجلس دهم باقی است و در این بین فضا و چینش و نحوه ورود دو جریان سیاسی اصلی کشور به عرصه انتخابات با اما و اگر های بسیاری همراه است.

وحدت اصولگرایان، ائتلاف اصلاح طلبان با دولت و حضور آن ها با مطالبات حداکثری و حداقلی، جایگاه احمدی نژاد برای جبهه پایداری، چند و چون وحدت پایداری ها با مابقی اصولگرایان و تعیین تکلیف در مورد عضویت آقایان علی اکبر ناطق نوری و اکبر هاشمی رفسنجانی از مهم ترین محورهای گفت و گوی با حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، نماینده فعلی تهران در مجلس شورای اسلامی و سخنگوی جامعه روحانیت مبارز است:

این روزها شما به عنوان سخنگوی جامعه روحانیت مبارز بارها تاکید کرده اید که اصولگرایان در انتخابات آتی بر اساس نظر و الگوی جامعین حرکت می کنند. این در حالی است که در انتخابات گذشته برخی از تشکل های اصولگرا و مشخصا جبهه پیروان خلاف الگوی ترسیمی جامعین حرکت کرد. تا چه اندازه این افق متعلق به سال پیش از انتخابات است و چقدر این نگرانی را دارید که نزدیک انتخابات این لیست های متفاوت بتوانند به وحدت برسند؟

در حال حاضر بحث ما همگرایی است نه انتخاباتی. از حدود یک سال قبل که فعالیت جناب حجت الاسلام تقوی از طرف جامعه روحانیت مبارز شروع شد و عده ای از اصولگرایان را گرد هم آوردند و بعد از آن هم سفرهای استانی را ترتیب دادند، تلاش بر این است که مجموعه نیرو های اصولگرا را به هم نزدیک کنیم.

جلساتی که داشتیم با گروه های اصولگرا نیز بر این مساله تاکید دارد. به عبارت دیگر خود همگرایی در این برهه زمانی مساله اصلی ما است. البته ما همواره حول اصول و مبانی مشترک اصولگرایی فعالیت داشته و داریم و این همگرایی هرگز سبب این موضوع نمی شود که از مبانی خود عدول کنیم.

بدون شک این جلسات کمک می کند که اختلاف نظرات کم تر و نزدیکی های فکری و سلیقه ای بیش تر باشد. همین مسائل باعث می شود ما نسبت به آینده امیدوار باشیم و این که مجموعه اصولگرا با هم کار کنند و در انتخابات آینده نیز بر این مساله تکیه کنند چرا که هم اصول این را اقتضا می کند و هم این دوره از انتخابات مجلس بحث رقابت جدی بین اصولگرایان و اصلاح طلبان خواهد بود. اصلاح طلبان هم به طور جدی وارد این عرصه انتخابات می شوند.

البته هرگز کسی این تصور را نداشته که اختلاف نظرات اصولگرایان بر سر اصول و مبانی فکری این

جریان بوده است. اختلاف در جبهه اصولگرایی بر سر چهره ها شروع شد. نمونه عینی این موارد اختلاف نظرات گروه های مختلف در مورد چهره هایی مثل محمود احمدی نژاد است.

مسئله اصلی این است که جریان اصولگرایی بر سر چهره ها از یکدیگر فاصله گرفتند. نمونه دیگر این که عده در جریان اصولگرایی علی لاریجانی را اصولگرایی معقول و قابل اتکال می دانند و جمعی دیگر وی را ساکت فتنه خطاب می کنند. بحث اصلی به نظر می رسد چهره ها باشد و اصول. چقدر امیدوار هستید اصولگرایان به خصوص پایداری ها مواضع خود را نسبت به چهره های مختلف تلطیف کنند زیرا این اختلاف نظرها با نزدیک به انتخابات مجلس این مشکلات بیش تر و این دست اندازه ها برجسته شده و حرکت کاروان اتحاد اصولگرایی درگیر این مسائل می شود.

ما مطمئن هستیم که با محور قرار دادن اصول و میانی مشترک می توانیم با هم گفت و گو کنیم. اگر مقرر باشد در آینده در مورد اختلاف نظرهایی که در مورد افراد داریم گفت و گو کنیم، باز هم با تطبیق بر همین اصول و میانی تصمیم نهایی اتخاذ می شود. در حال حاضر نیز احساس می کنیم نتایج بهتری در این مسیر گرفتیم.

در مورد اشخاص و شخصیت ها که شما تاکید دارید دو حالت وجود دارد: نخست این که در جریان اصولگرایی از دور با هم صحبت کنیم. زمانی که این شیوه تعامل را در نظر بگیریم نتیجه همین می شود که یک چهره را عده ای بگویند اصولگرا است و عده ای دیگر بگویند اصولگرا نیست. در حالت دوم از نزدیک صحبت می کنیم - شرایطی که امروز اتخاذ کرده ایم- که نتایج بسیار متفاوتی را می گیریم.

در انتخابات مجلس هشتم طبعاً گردهمایی و کنار هم نشستنی در کار نبود و از طریق رسانه ها با هم حرف می زدیم و در همان زمان این صحبت که علی لاریجانی از ساکتین فتنه است، به وجود آمد. اگر در همان زمان از نزدیک با هم گفت و گو می کردیم به این نتیجه می رسیدیم که علی لاریجانی نه تنها از ساکتین فتنه نبوده بلکه از پیشتازان مقابله با فتنه نیز بود.

موضوع آقای احمدی نژاد هم که اشاره کردید در گفت و گوهایی اخیر ما با گروه های مختلف اصولگرا بارها مطرح شد و جالب این که موضع ما بسیار به هم نزدیک شد. سخن دوستان ما در جبهه پایداری این است که جبهه پایداری از اساس برای این شکل گرفت که احمدی نژاد موقعیت خود را نسبت به اصول و میانی از دست داده بود. به عبارت دیگر برای جریان اصولگرایی احمدی نژاد قبل از خانه نشینی با احمدی نژاد بعد از خانه نشینی متفاوت است و این نقطه از تاریخ موجب شده است تا جبهه پایداری شکل بگیرد تا طرفداران احمدی نژاد که بر اساس موضوعات حامی او بودند، با رها کردن و عدول مواضع احمدی نژاد سرگردان نباشند و به سمت جبهه پایداری بیایند. به عبارت دیگر گفتمان اصل است نه شخص. بنابراین میانی جبهه پایداری نیز این است که با حفظ گفتمان از آقای احمدی نژاد فاصله بگیرد و آقای احمدی نژاد امروز یک لیدر جریان اصولگرا نیست.

یعنی پیش از این به عنوان لیدر دیده می شد؟

در آغاز کار در انتخابات سال 84 بود. از اساسی با حمایت اصولگرایان به صحنه آمد. احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری بدون حمایت اصولگرایان پیروز نمی شد.

اما خودشان چنین تصویری ندارند. بارها مطرح کردند که رایی را که دارند بدون حمایت جریان اصولگرایی کسب کرده اند.

این حرف ها متعلق به دوران ریاست جمهوری است نه روزهای انتخاباتی که وی در آن زمان کاندیدا بود.

به خوبی به خاطر داریم که ایشان به عنوان یکی از مجموعه شخصیت های اصولگرا که به میدان آمد که

البته اقدامات خود را خارج از تشکیلات حامی خود دنبال کرد.

آقای احمدی نژاد عضو تشکیلات ایثارگران بود که جدا از حمایت ایثارگران به میدان آمد اما همه جریان‌های اصولگرا به حمایت از ایشان پرداختند بدون این که ایشان را مطلوب اول خود تلقی کنند و بدون این که ایشان بیرون آمده از مجموعه تصمیمات مجموعه اصولگرا باشند. اما به این دلیل که در آن انتخابات گزینه مطلوب تری از وی نداشتند، از احمدی نژاد حمایت کردند بنابراین جریان اصولگرا به حمایت از ایشان آمد که ایشان پیروز انتخابات شد. هم در سال 88 و هم در سال 84. اما پس از انتخابات 88 و در جریان بروز و ظهور پیدایش جریان انحراف و شخص اسفندیار مشایی در کنار احمدی نژاد و قوت این جریان حاشیه ای، شخص احمدی نژاد به تدریج از جریان اصولگرا فاصله گرفت و به نسبت همین فاصله حمایت جریان اصولگرایی را نیز از دست داد.

به یک معنای دیگر تمام دستاوردهای 6 سال اول دو دوره ریاست جمهوری خود را تحت المشاع اقدامات دو سال آخر قرار داد و از این جهت دیگر نه خود او خود را اصولگرا می داند و نه دیگر جریان اصولگرا او را اصولگرا.

شما مطرح می کنید جبهه پایداری شکل گرفت تا از آرمان هایی دفاع کند که ابتدا از احمدی نژاد بیان شد اما بعد از 11 روز خانه نشینی دیگر این گروه نمی توانستند به احمدی نژاد اعتمادی در این زمینه ها داشته باشند.

شما تاکید دارید جبهه پایداری بر این اساس شکل گرفت که احمدی نژاد موقعیت خود را نسبت به اصول و مبانی از دست داده بود بنابراین شما معتقد هستید احمدی نژاد دیگر قدیس جریان پایداری نیست و به همین دلیل نزدیکی پایداری ها با دیگر اصولگرایان بیش تر شده است.

اما دو گفت و گوی اخیر اعضای شاخص پایداری عکس این موضوع را ثابت می کند، آقای آقا تهرانی در رسانه ملی حاضر شدند و کل ساعتی را که در اختیار داشتند به توجیه غیبت و خانه نشینی احمدی نژاد پرداختند و اصرار داشتند به مخاطب بگویند آنچه رخ داد تنها یک بیماری بوده نه هیچ چیز دیگر و حتی در صحبتی اشاره کرد اختلافی بین مجلس اصولگرا و احمدی نژاد نبوده بلکه اختلاف بین لاریجانی ها و احمدی نژاد بود.

آقای روح الله حسینیان عضو دیگر جبهه پایداری هم در گفت و گویی اظهار کرد احمدی نژاد از بدنه اجتماعی برخوردار است و بدون حمایت هیچ جریان سیاسی در صورت کاندیداتوری در رقابت با هر چهره سیاسی برنده است.

من نسبت به اظهارات آقای حسینیان احتمال می دهم که ایشان یک تحلیل ارائه کرده نه یک تمایل. در عین حال این مسائل باید از خودشان بپرسید. آنچه من نقل کردم اظهارات روشن دوستان ما در جبهه پایداری است که شفاف تاکید کردن امروز آقای احمدی نژاد را جزء جریان اصولگرایی نمی دانیم. این اظهار نظر روشن در کار تشکیلاتی برای ما کفایت می کند.

شما در خصوص فعالیت جامعه روحانیت مبارز به تازگی تاکید کردید شورای مرکزی در حال ترمیم است. در حال حاضر ت چه اندازه چهره هایی چون آقای ناطق نوری یا آقای هاشمی رفسنجانی را که از موسسان جامعه روحانیت مبارز بودند عضو می دانید؟

بر اساس اساسنامه بنیان گذاران جامعه روحانیت عضو دائمی نیز هستند. بنابراین باید بگوییم هر دو بزرگوار هنوز عضو هستند.

بر اساس مواضع چطور؟ تصور می کنید مواضع این دو نفر چقدر هماهنگ یا حتی نزدیک به جامعه

روحانیت است. آیا نمی توان گفت جامعه روحانیت در عالم واقع بنیان گذاران خود را از دست داده است؟

در مورد آقای ناطق نوری با اطمینان می گویم آقای ناطق نوری هرگز نگاه مثبتی به جریان اصلاح طلب نداشته است بنابراین هم چنان از نظر دیدگاه ها و مواضع ایشان کاملاً در خط جامعه روحانیت مبارز است ، چه در جلسات ما شرکت بکنند چه در جلسات شرکت نکنند. البته نسبت به آقای هاشمی رفسنجانی مسأله تا اندازه ای فرق می کند . ایشان از بنیان گذاران جامعه روحانیت و از نزدیکان حضرت امام بوده اند . بنای ما بر این است که هم چنان سعی کنیم ولو با گفت و گو و مشورت، ایشان را در خط اصیل اصولگرایی حفظ و دنبال کنیم.

برخی معتقدند چهره هایی هم چون ناطق نوری و هاشمی رفسنجانی و حتی حسن روحانی در حال شکل دهی جریان جدیدی هستند و ناطق نوری می تواند پدر معنوی این جریان باشد. بدنه نیز با برخی اصولگرایان و جمعی از کارگزاران هم پوشانی دارد. جریانی که از راست برخاسته اما این روزها به سمت چپ تمایل دارد .

بدنه به شما اطمینان خاطر می دهم که آقای ناطق هیچ گاه فعالیت های خود را هم گام با کارگزاران و جریان چپ یا هر اسم دیگری که دارد، دنبال نمی کند. اگر بنا باشد آقای ناطق بنا باشد دوباره به حیطة فعالیت های سیاسی ورود کند هم چنان در حوزه اصولگرایی خواهد بود.

حضور اصلاح طلبان در انتخابات مجلس آتی با اما و اگرهای مختلفی همراه است. برخی تصور می کنند اصلاح طلبان به دلیل بسیاری از محدودیت ها و حواشی با تابلوی دولت به جلو حرکت می کنند.

البته در حال حاضر اصلاح طلبان خیلی تلاش می کنند مواضع خود را هم گام با مواضع دکتر روحانی نشان دهند و این طور اثبات کنند که دکتر روحانی موید آن ها است. البته یک بحث قانونی داریم که دولت بر اساس قانون نمی تواند از یک موضع حمایت کند یعنی موضع گیری دولت منع قانونی دارد. بنابراین اصلاح طلبان نباید از دولت انتظار هر نوع حمایت داشته باشند.

تحلیلی که اصلاح طلبان از انتخابات 92 دارند و خود را پیروز انتخابات می دانند، از نظر من تحلیل درستی نیست. مگر این که تعریف آن ها از پیروزی تصاحب چند کرسی بیش تر باشد نه غالب مجلس. البته فضا برای ورود بیش تر اصلاح طلبان به مجلس فراهم است و می توانند در قیاس با وضعیت فعلی کرسی های بیش تری را داشته باشند اما این موضوع به معنی نیست که یک رییس اصلاح طلب را برای مجلس دهم متصور باشیم.